اشرف ارگان ها!

نمای مهر درباره حسن عشایری

حسن عشایری متولد سوم فروردین ۱۳۲۰ - تبریز
- اخذ مدرک دکترا دررشته مغز و اعصاب، دانشگاه فرایبورک آلمان - ۱۹۸۰ میلادی
- دریافت تخصص روانپزشکی در آلمان
- استاد دانشگاه علوم پزشکی ایران - دانشکده علوم و توانبخشی
- عضو و مؤسس انجمن‌های ،حمایت از حقوق کودکان، ،انجمن تلاشگران سلامت، ،دوستی ایران و آلمان، ،آسیب‌دیدگان اجتماعی، ،آزادگان و زندانیان، ،انجمن فرهنگی آریان‌پور، ،انجمن کاربرد موسیقی در بهداشت جسم و روان، و . . .
- سابقه تدریس در دانشگاههای تبریز، شیراز، قزوین.
- عضویت در هیات تحریریه مجلاتی مانند، نشریه علمی - پژوهشی ،اندیشه و رفتار، [انستیتو روانپزشکی]، مجله ،حرکت، [دانشگاه تهران - دانشکده علوم تربیت بدنی] و مجله ،علوم پزشکی ایران،، همکاری با مجلات بین‌المللی ،نورولوژی، و ،نورو سایکولوژی،.
- نگارش شماری از کتب و مقالات علمی از جمله: مجموعه مقالات درباره سمپوزیوم نوروپسیکولوژی [جلد اول، با همکاری دکتر محیط، دکتر براهنی، دکتر حبیب‌الله قاسم‌زاده]، مقاله نوروپسیکولوژی زبان و گفتار و اختلالاتش [ارائه شده در کنگره نوروپسیکولوژی آلمان غربی - ۱۴۷۱ میلادی]، مقاله نوروتراماتولوژی (ضایعات مغزی) [در کنگره بین‌المللی هامبورگ - ۱۹۷۸ میلادی].
- تشویق به خاطر تنظیم مقاله تحقیقی در مورد ،تاثیر نمک لیتیوم روی بدن انسان سالم و فرآیندهای روانشناختی،[۱۹۷۸ میلادی-آلمان].

احمدرضا حجازاده: «سؤال من این است که مغز انسان که اشرف ارگان هاست چطور کار می کند؟ چرا نمی شود آن را تغییر داد؟ چطور انسان علیه انسان عمل می کند یا انسان واقعیت را کتمان می کند؟ بالاخره همه چیز در مغز نطفه می بندد. درست است که همه اش در مغز و شعور اجتماعی نیست، در زبان و فرهنگ و هنر هم هست و این میراث ریشه در آن خاک دارد. ولی به هر جهت، مغز پردازنده است، باید یاد بگیرد، تحلیل کند، اتخاذ تصمیم و سازمان بندی رفتار کند و برود برای اجرا.»

جملات بالا بخش اندکی از انبوه پرسش ها و تفکرات ذهنی اوست که در اشرف ارگان هایش جمع شده اند و باعث می شوند او با کنجکاوی و علاقه هر چه بیشتر، با تمایل روزافزون و حیرت آوری به تحقیق و پژوهش درباره هر چه پیرداز د که به مغز، این اصلی ترین هدایت کننده رفتارهای انسانی مربوط می شود. دکتر حسن عشایری که بیش از ربع قرن به تحقیق و پژوهش و ارائه خدمات در خصوص علوم مغز و اعصاب و اختلالات رفتاری اشتغال داشته - و این روند کماکان ادامه دارد - در تمام مراحل علمی خویش در پی کشف دلایلی برای چگونگی کارکرد مغز انسان و ناشناخته های این دستگاه بوده است. او مغز را در قرن بیست و یکم که قرن اطلاعات است، از هر نظر حائز اهمیت می داند و یادآور می شود ما در خصوص این دستگاه شگفت انگیز که بشریت خیلی قسمت هایش را نمی شناسد و حتی دانشمندان هنوز بخش های بسیاری از آن را کشف نکرده اند، با سؤالات و معماهایی مواجه ایم. زندگی سراسر حل مسأله است و اینها مجهولاتی است که باید به معلومات تبدیل شود.»

او می افزاید: «یک بخش از موفقیت آدمی کار است. کار، مغز را ساخته است. از «پترولیس پاولوف» پرسیدند: زندگی در چیست؟ گفت: در سه چیز؛ کار، کار، کار. منتهی کیفیت و استمرار کار هم از مسائل دیگری است که جزئیاتش بماند برای همان آقای پاولوف! ولی واقعاً کار منشأ زیبایی است. چه یدی، چه ذهنی. کار جمعی، کاری که در خدمت دیگران و در خدمت علم باشد و کیفیت کار اهمیت دارد. برای موفقیت هم شرایطی لازم است. اگر عقاب بلندپرواز باشد و بالهای قوی داشته باشد اما جو موجود طوری باشد که نتواند آن هوا را بشکند، عقاب در سطح مرغی خانگی است! خواب بشر، غذا خوردن و استراحت و وقت آزادش هم کار است! من همه اینها را کار می بینم که بعدها جامعه آنها را تفکیک کرده و اسم وقت آزاد و اوقات فراغت روی آنها گذاشته است. در صورتی که مثلاً خواب، کار اکتیو مغز است و بدان نیاز دارد. هنر، فرهنگ، دانش و بینش و غیره هم همینطور.» در ادامه همین توضیحات، از عامل «تغییر بینش» یاد می کند و به کارگیری مغز اجتماعی را نیز در این رابطه دخیل می داند: «با دانش فقط می توان فاجعه به بار آورد. باید بینش هم عوض شود. هنر هم کاتالیزاتور است و می تواند وجدان بیدار جامعه باشد، البته هنر سالم نه هنر بیمار. پس اگر دانشمند بخواهد اندیشمند بشود به همه اینها برای موفقیت نیازمند است. دانشمند باید «من»ش را فراموش کند، «خود»ش را گم نکند. یعنی خود «خود» هم حافظه جمعی است. ما «خود» فردی نداریم. نباید خودمداری باشد. دانش اول باید به مدنیت، جامعه پذیری و مغز اجتماعی کمک کند. مغز هیجانی، کارکردی، یادگیری و ... رشد می کنند. اما از همه مهمتر برای من، مغز اجتماعی است که دانش، هیجانات، هنر و غیره در خدمت مغز اجتماعی قرار بگیرد.

انسان یک موجود اجتماعی است و شادی تقسیم نشده، اندوه بزرگ شده است! دانشمند باید از لابراتوارش هم فراتر برود که از علم سوء استفاده نشود و از خودش هم سوء استفاده نکنند.»

اگر بخواهیم حسن عشایری را ازآغاز بشناسیم، باید با اشاره به تحصیلات ابتدایی اش در دبستان «رشدیه» تبریز شروع کنیم. با پایان این دوره، به دبیرستان فردوسی رفت و تا کلاس یازدهم را آنجا گذراند. ولی دیپلم خود را از دبیرستان شماره یک «هدف» تهران گرفت و پس از آن، بلافاصله در سال ۱۹۶۰ میلادی، راهی آلمان غربی شد و به مدت بیست سال، یعنی تا ۱۹۸۰ میلادی را همان جا به تحصیل در رشته پزشکی مغز و اعصاب (نورولوژی) پرداخت. طی زمان حضورش در اروپا، به هیچ وجه سفری به ایران نداشت و تمام وقت خود را صرف کسب علوم و مهارت و بررسی و تحقیق و پژوهش کرد. او ضمن تحصیل در حیطه علوم مغز، موفق شد تخصص روانپزشکی را هم به دست بیاورد. عشایری در آلمان همانقدر فعال و جوینده بود که هم اکنون در نیمه دهه شش از زندگی، در وطن.

به عنوان نمونه مدتی بدون آنکه خود جراح بشود، در واحد جراحی مغز و اعصاب به فعالیت پرداخت. در همین فاصله زمانی، پژوهش هایی مثل زبان پریشی و فرآیندهای عالی ذهن (فعالیتهای قشر مخ انسان که زبان هم جزو آن است)، رابطه ساختار و رفتار (نوروپسیکولوژی neuropsychology) که با مغز و اعصاب و روانپزشکی مرتبط است ولی در عین حال رشته ای نوخواسته از علوم عصب و رفتار است و «نوروساینس» را ارائه کرد و به سرانجام رساند. می گوید آن هنگام چون «دانشجو» بودم، از دانشگاه که بیرون آمدم، شدم «جودانش» [یا جویندهٔ دانش!] از این رو، حسن عشایری در رشته های مختلفی کار کرده است. مثلاً تحقیقات مختصری در مورد تأثیر نمک لیتیوم روی بدن انسان سالم و کشف فرآیندهای روانشناختی داشته است: «با کمک همکاران آلمانی ام این تحقیقات را شروع کردیم که من، مجری طرح بودم. مقاله ای هم از آن تهیه کردیم که به نام خودمان چاپ شد و باعث دریافت تشویق و امتیاز از جانب دانشگاه گردید. چون آزمایش ها را روی خودمان انجام داده بودیم. یعنی تغذیه را محدود کرده و داروها را خودمان خورده بودیم. سه ماه تمام روزی چند بار در آزمایشگاه بودیم، روزی سه بار از خودمان خون می گرفتیم! کیفیت و کمیت کار با هم بود. هر چند کار خیلی مشکل گشایی نبود اما دست کم فهمیدیم این داروها چگونه اثر می گذارند.»

شاید باور نکنید اگر بشنوید دکتر حسن عشایری برای رفت و آمد به دانشگاه و محل کار، همچنین تردد در سطح شهر از یک دستگاه دوچرخه استفاده می کند! دوچرخه ای که یادگار سالهای دانشجویی او در آلمان بوده و عشایری چون عاشقی وفادار، در تمام این سالها از همان وسیله قدیمی استفاده کرده و همچنان با دقت و وسواس سعی در حفظ و نگهداری آن کرده است. بهانه ای او برای دوچرخه سواری اگرچه اندکی طولانی اما دلایلی علمی و منطقی است: «شما ترافیک تهران را می شناسید و جایز نیست آدم در این آلودگی هوا و صدا و ازدحام شهر، در حالی که برای راه رفتن در برخی کوچه ها راه نیست و آهن پاره ها راه را بسته اند و حق مسلم افراد پیاده گرفته شده، باز هم از ماشین استفاده کند. اگرچه با این احوال، صحبت کردن از دوچرخه سواری در تهران مشکل است ولی در برخی جاها به دلایل بهداشتی و سلامتی استفاده از دوچرخه مثبت و مناسب است. البته من توصیه نمی کنم همه بالاجبار این کار را بکنند. بخشی از زمان ما به وسیله دیگران هدر می رود. مسأله ترافیک فقط ماشین نیست، فرهنگ هم هست. من که توانش را دارم، بعضی جاها که خطر کمتری به لحاظ تصادف دارد و آلودگی نسبی است، از دوچرخه استفاده می کنم من از دوره دانش آموزی ام در تبریز، دوچرخه سوار بودم. در تهران هم با دوچرخه به مدرسه می رفتم یا بسیاری از کارهایم را انجام می دادم. در اروپا، همان هفته های اول مهاجرت، یادم می آید دوچرخه هایی را که از جنگ جهانی دوم باقی مانده بودند به حراج می گذاشتند با قیمت های بسیار پایین. آنجا من اولین دوچرخه ام را از یکی از همین حراجی ها گرفتم که خیلی هم خوب و محکم بود. در آلمان هم کارم دوچرخه سواری بود؛ آخر هفته ها با دوچرخه به اطراف محل دانشگاه که بیشتر جنگلی و با صفا بود می رفتیم. حتی علاقه داشتم در تردد و فرانس شرکت کنم. ولی هیچ وقت من در حد مسابقه برنده نشدم. سرانجام وقتی به ایران آمدم، چون آدم وفاداری بودم علاوه بر کتابها و سایر وسایلم، آن دوچرخه را هم با خودم آوردم و هنوز هم از همان استفاده می کنم!»

در سال ۱۳۶۴ به همت بسیاری از اساتید رشته مغز - که عشایری خود را مدیون آنها می داند، نخستین سمپوزیوم نوروپسیکولوژی در دانشکده توانبخشی برگزار شد و حالا امروز آنقدر این علم شناخته شده که به حد کفایت درباره آن تدریس و تحقیق می شود. گروهی به انگلیس رفتند، دوره دیدند و بازگشتند و همین تلاشها سبب شد رشته نوروپسیکولوژی در دانشگاه ها جا بیفتد. دکتر عشایری که با عنوان معلمی در دانشگاه توانبخشی، کارش را آغاز کرده در زمینه هایی چون توانبخشی قسمت های جسمی، روانی فعال بوده است. در حاشیه این خصوراهای مؤثر نیز، با انجمن های غیردولتی همکاری مستمر داشته که از آن انجمن ها می توان اشاره به انجمن های حمایت از حقوق کودکان، تلاشگران سلامت، دوستی ایران و آلمان و کاربرد موسیقی در بهداشت جسم و روان داشت که درخصوص آخرین انجمن نامبرده، با همراهی آقایان دکتر هاشمیان، دکتر نعمتیان و دکتر شریفیان (موسیقیدان) هر چند سال یک بار، کنگره ای را به اجرا می گذارند. حسن عشایری تأکید دارد که با به کاربردن نام «درمان» در این انجمن مخالفت دارند و آنها با موسیقی، «درمان نمی کنند، بلکه موسیقی جنبه کاربردی برایشان دارد. حضور وی در این انجمن یک نگرش علمی دارد، نه نگرشی صرفاً هنری. آنها در این انجمن به بررسی تأثیر موسیقی روی خلقیات، بدن و فرآیندهای روانشناختی می پردازند. در حال حاضر نیز انجمن جدیدی به نام «انجمن توانبخشی قلبی - عروقی» توسط حسن عشایری و دیگر همکارانش در شرف شکل گیری و راه اندازی است. خوشبختانه تعداد انجمن ها زیاد است ولی به جهت کارهای دانشگاهی، فرصت همکاری فعال با آنها برای دکتر عشایری محدود شده است. اگرچه خود اظهار علاقه مندی به حضور و فعالیت در چنین انجمن هایی می کند. او در حدود یک سال هم در بهزیستی مرکز معلولین به صورت داوطلبانه به ارائه خدمت مشغول بوده. این همکاری خودخواسته سالها پیش، اوایل بازگشت عشایری به ایران، در کنار شهید فیاض بخش صورت گرفته که پس از شهادت فیاض بخش، بنا به ضرورتی که او حس کرده بود با همکاران دیگری کار را ادامه داده بودند و مرور از آن مرکز به دانشگاه علوم پزشکی ایران و در نهایت دانشکده علوم توانبخشی کشیده شدند. وقتی پای تألیفات دکتر عشایری به میان می آید، اعتراف می کند به خاطر مشغله زیاد و حضور طولانی مدتش در دانشگاه، زیاد فرصتی برای نوشتن پیدا نمی کند. با این حال چندان هم «بی آثار» نیست و در نگارش مقالات و کتابهایی نقش داشته است. برخی از مقالاتش در داخل و خارج از کشور انعکاس یافته اند؛ به خصوص در رابطه با زبان پریشی و یا بهداشت روانی یا تأثیر محرک های شنیداری [ریتمیک - ملودیک] در بازپروری یا توانبخشی زبان پریشی پس از سکته مغزی.

از آنجا که عشایری دوستدار بررسی و مطالعه پس از اتمام ساعت کلاسهای خویش است، به طور معمول زمان حضورش در دانشگاه کمی بیش از حد انتظار است. او بین ۱۰ الی ۱۴ ساعت، گاهی هم تا ۱۸ ساعت از اوقات شبانه روزی خود را صرف کار در دانشگاه می کند. دروسی که او تدریس می کند از این قرارند: پاتوبیولوژی اعصاب، بیماری های اعصاب مخصوص کودکان برای گفتار درمانگرها، درمان های غیردارویی در روانپزشکی، نقش فعالیت و هنر در درمان روانی و اصلی ترین درس محول شده به ایشان که همان «نوروپسیکولوژی» است.

حسن عشایری در ایجاد علاقه و پیش گرفتن راهی چنین دشوار اما لذتبخش و پرثمر، به نقش دبیرستان فردوسی و معلم های کم‌نظیری اشاره می کند می گوید: «مدرسه ما کیفیت خیلی بالایی داشت و باید گفت که نیمچه دانشگاه یا دانشکده بود. مدیران و مسؤولان آن به شکل غیرمستقیم، ذهن ما را برای پرسیدن سؤالهای زیادی از زندگی روزمره آماده می کردند. آنجا انجمن های ادبیات داشتیم، انجمن زیست شناسی، ورزش، کوهنوردی و ... با آن فقر اقتصادی حاکم در زمان کارها خیلی گسترده انجام می گرفت. من تعجب می کنم چرا حالا که این همه امکانات هست آن کیفیت حتی در سطح حداقل نیست. معلمان ما فرزانگانی بودند که راه را نشان می دادند بدون آنکه سد معبر کنند. یعنی ایجاد انگیزه می کردند. من با این ذهن به آلمان رفتم. برخلاف دانشگاههای ما، آنجا نشست هایی برگزار می شود که عده ای میان رشته ای، فراتر از رشته های خودمان می آیند در دانشگاه سخنرانی می کنند؛ سخنرانی هایی به زبان ساده و برای همه. مثلاً تشریح می کردند که «تئوری اطلاعات» چیست؟ یا «سایبرنتیک» چیست؟ فلسفه دن می آمد به زبان ساده می گفت فکر کردن یعنی چه و منطق یعنی چه؟ آنجا یاد گرفتم که هر کس بزرگ فکر کند، می تواند بزرگ اشتباه کند!».

اما مشکلات عدیده رشته مغز و اعصاب در کشور ما چیست؟ می توان مثل سایر علوم، مشکلات بسیاری برای آن تراشید. حسن عشایری مهمترین مشکلات را از دیدگاه خود چنین ترسیم می کند: «خدا را شکر به اندازه کافی در کشور نورولوژیست [عصب شناس] و جراح مغز و اعصاب خیلی خوب داریم. در حد نیاز تولید شده و نشان می دادند بدون آنکه سد معبر کنند. یعنی ایجاد انگیزه می کردند. من با این ذهن به آلمان رفتم. برخلاف دانشگاههای ما، آنجا نشست هایی برگزار می شود که عده ای میان رشته ای، فراتر از رشته های خودمان می آیند در دانشگاه سخنرانی می کنند؛ سخنرانی هایی به زبان ساده و برای همه. مثلاً تشریح می کردند که «تئوری اطلاعات» چیست؟ یا «سایبرنتیک» چیست؟ فلسفه دن می آمد به زبان ساده می گفت فکر کردن یعنی چه و منطق یعنی چه؟ آنجا یاد گرفتم که هر کس بزرگ فکر کند، می تواند بزرگ اشتباه کند!».

اما مشکلات عدیده رشته مغز و اعصاب در کشور ما چیست؟ می توان مثل سایر علوم، مشکلات بسیاری برای آن تراشید. حسن عشایری مهمترین مشکلات را از دیدگاه خود چنین ترسیم می کند: «خدا را شکر به اندازه کافی در کشور نورولوژیست [عصب شناس] و جراح مغز و اعصاب خیلی خوب داریم. در حد نیاز تولید شده و برای خدمت به بیماران و نوار مغزی می نویسیم و MRI [م. آر. آی] و ... اینها دیگر سر زبان ها افتاده و امروز همه از مغز عکس رنگی می گیرند. ولی شناخت بعد اجتماعی مغز و انگیزه های بنیادی آن مهم است. یعنی چرا در شرایطی کارهایی صورت می گیرد که من اسمش را می گذارم «کسوف خرد»؟ دانش را دارد ولی خردورزانه انجام نمی دهد. چطور هیجانات و عواطف انسانی پردازش می شود؟ اینها سؤالات پیچیده ای است. از همه بیشتر زبان و شناخت، زبان و مغز خیلی مهم هستند. زبان یعنی فرهنگ. زبان خانه هستی است. واژه بذر فکر است، عمل فرزند سخن است. اینها با هم ارتباط دارند. یعنی سازمان بندی رفتار به وسیله زبان درونی آگاهی، حافظه، آموخته ها و انگیزه هایمان شکل می گیرد. اینجا مداخله گری های جالبی پیش می آید، مثل ترافیک. این مغز که می بیند باران می آید و اگر برود، دوباره گیر می کند، چطور می رود و تصادف می کند، حق دیگران را می گیرد و استرس برای خودش تولید می کند؟ فشارخون را بالا می برد؟ چرا تأمل نیست؟ چرا روزمرگی اتفاق می افتد؟ این مغز است که باید آینده را ببیند. کسی که آینده را می بیند می تواند پیش بینی کند. پس می تواند پیشگیری کند. باید بدانیم بین خردورزی و دانش و توانایی هایک تعارض وجود دارد. شاید همیشه خردورزی نیست، تا زمانی که بینش عوض شود. با دانش می شود بمب ساخت ...!»

آگهی مناقصه عمومی شماره ۲-۴۰-۸۵

شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران درنظر دارد تأمین پتوی پروازی موردنیاز خود را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقوقی که دارای سوابق کاری مرتبط با موضوع مزبور می باشند دعوت می نماید با در دست داشتن رسید واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۲۷۸ بانک ملی ایران شعبه هما به نام شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از تاریخ انتشار این آگهی و حداکثر تا تاریخ ۸۵/۲/۱۹ برای اطلاع از شرایط، دریافت اسناد مناقصه، تکمیل، امضا، و تحویل کلیه اسناد مربوطه به واحد خرید تدارکات اقلام عمومی واقع در تهران، جاده مخصوص کرج، روبروی شهرک اکباتان، درب شمالی ادارات مرکزی هما، ساختمان تدارکات مراجعه نمایند.
به پیشنهادات رسیده پس از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- میزان سپرده شرکت در مناقصه ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون ریال) می باشد که می بایست به صورت ضمانتنامه بانکی (قابل تمدید به درخواست هما)، چک بانکی/ تضمینی و یا فیش نقدی واریز شده به حساب شماره ۱۵۷-۴۷۸۱۱ بانک تجارت شعبه نجات الهی به نام شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد.
- زمان گشایش پیشنهادات روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۰ ساعت ۱۰ صبح می باشد.
- شرکت نسبت به رد یک یا تمام پیشنهادات مختار است.
- هزینه کل نشر آگهی برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی
هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران «هما»

آگهی مناقصه عمومی شماره ۱-۴۰-۸۵

شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران درنظر دارد تأمین پاکت بهداشتی مخصوص پرواز را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید.
لذا از کلیه اشخاص حقوقی که دارای سوابق کاری مرتبط با موضوع مزبور می باشند دعوت می نماید با در دست داشتن رسید واریز مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۲۷۸ بانک ملی ایران شعبه هما به نام شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از تاریخ انتشار این آگهی و حداکثر تا تاریخ ۸۵/۲/۱۹ برای اطلاع از شرایط، دریافت اسناد مناقصه، تکمیل، امضا، و تحویل کلیه اسناد مربوطه به واحد خرید تدارکات اقلام عمومی واقع در تهران، جاده مخصوص کرج، روبروی شهرک اکباتان، درب شمالی ادارات مرکزی هما، ساختمان تدارکات مراجعه نمایند.
به پیشنهادات رسیده پس از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- میزان سپرده شرکت در مناقصه ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد میلیون ریال) می باشد که می بایست به صورت ضمانتنامه بانکی (قابل تمدید به درخواست هما)، چک بانکی / تضمینی و یا فیش نقدی واریز شده به حساب شماره ۱۵۷-۴۷۸۱۱ بانک تجارت شعبه نجات الهی به نام شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران ارائه گردد.
- زمان گشایش پیشنهادات روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۵/۲/۲۰ ساعت ۱۰ صبح می باشد.
- شرکت نسبت به رد یک یا تمام پیشنهادات مختار است.
- هزینه کل نشر آگهی برعهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی
هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران «هما»

آگهی فراخوان مشارکت

شهرداری شیراز درنظر دارد ضمن رعایت آئین نامه مالی شهرداری ها و مقررات و ضوابط مربوطه و سایر اطلاعات و جزئیات که در اسناد مربوطه منعکس خواهد شد نسبت به احداث برج مسکونی و تجاری به صورت مشارکتی در پلاک های ثبتی ۲۳۰۷ و ۱۰ و ۹ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ و ۴ و ۲۳۰۷/۳ تماماً جدا شده از پلاک ۲۳۰۷ اصلی بخش ۴ شیراز به مساحت تقریبی ۱۰۱۸۹/۵۹ مترمربع واقع در اراضی جبل دراک از طریق فراخوان عمومی اقدام نماید.
متقاضیان می توانند برای دریافت اسناد مربوطه حداکثر تا ده روز پس از انتشار این آگهی به مدیریت مشارکتهای اقتصادی واقع در بلوار فرهنگ شهر خیابان سجادیه دوم، پلاک ۲۴ مراجعه و یا با تلفن: ۶۲۵۰۲۶۱-۰۷۱۱ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی و بین الملل شهرداری شیراز

معرفی کتاب

آیه های زندگی بهار دلها

حسین اسکندری، قرآن را مرجع و منبع قرار داده و با زبانی ساده و شیوا به بیان معنای برخی آیه ها، اهمیت تفکر در قرآن، شرح و بسط حکایت ثقلین، لیلة القدر، تفسیر قرآن به قرآن، راز گویی قرآن کریم، نکته هایی درباره اعجاز قرآن و... پرداخته است.

در بخشی از این کتاب که درباره نظم آهنگ قرآن است می خوانیم:

«به هنگام گوش دادن به آوای قرآن نظام بدیع و شیوای صوتی قرآن جلب توجه می کند: در این نظام، حرکات و سکنات واژگان به شکلی است که هنگام ادای آنها آوایی دلنشین به گوش می رسد و جان و دل مملو از شور و نشاط می شود و دل شیفته آن می شود؛ بدون اینکه آیا قافیه و وزن و مصراع بندی داشته باشند اما در عین حال سرشار از نظم و آهنگ درونی است و این رازی است از رازهای قرآن که هیچ ساختار ادبی هم طراز آن نیست.

این کتاب با همکاری انتشارات سروش و با همکاری رادیو قرآن چاپ و منتشر شده است بهای این کتاب ۱۰۰۰ تومان است.

راهبرد ناتو در قفقاز

در کلام نخست این کتاب که توسط مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی - معاونت پژوهش - به چاپ رسیده است می خوانیم:

«مطالعات حوزه راهبردی هرچند پیشینه ای بیش از چند دهه ندارد ولی گستره ای را به خود اختصاص داده است که می توان آن را با بسیاری از رشته های علوم دیگر مقایسه نمود. این حوزه در کشور ما قدمتی طولانی ندارد ولی با این همه شاهده ظهور و بروز چهره ها و آثار ذی قیمتی در طی سالیان اخیر بوده است که نمی توان به سادگی آن را علمی جوان تلقی نمود».

در این کتاب شده خواننده گام به گام با مفهوم راهبرد جدید ناتو آشنا شود. در زمینه می خوانید: مفهوم راهبرد جدید ناتو، ناتو و قفقاز جنوبی، تعارض و تقابل راهبردها، پایان راه.

نویسنده این کتاب که تحت عنوان نامه دفاع(۷) منتشر شده است دکتر سیدرسول موسوی است و دبیر داخلی این کتاب علی علیزاده است.

گویش دزفولی

این کتاب با عنوان کامل امثال، اصطلاحات، تعبیرات و واژگانی چند در گویش دزفولی به چاپ رسیده تألیفی از سیداحمد صادق صمیمی است. او در ابتدای کتاب در شعری آورده است: جهد باید کرد بر فرهنگ خویش / گر خوری از نوگرایان زخم و نیش / تا نسازی تکیه بر پای پسین / پای دیگر را نمی آوری تو پیش / قدرت برتر سبا در جنگ نیست / با فنون و حیله و نیرنگ نیست/ بهر تسخیر قلوب دیگران / هیچ ابزاری به از فرهنگ نیست

در این کتاب جامع مطالبی می خوانید درباره گویش، امثال، دزفول، فرهنگ دزفول، ترانه ها، اوله بالالایی، کتابنامه و گویش دزفولی.

این کتاب توسط نشر نشانه در ۴۵۱ صفحه و با قیمت ۶۰۰۰ هزار تومان عرضه شده است.